

پروفسور نذیر احمد و تصحیح بساتین الانس

اکبر شاه*

شناخت جایگاه علمی استاد نذیر احمد برای فارسی زبانان احتیاج و نیازی به هیچ معرفی ندارد. کتاب بساتین الانس که به کوشش این محقق برجسته و بی نظیر ویرایش و تصحیح شده، داستانی است که از زبان هندی به فارسی برگردانده و به قلم اِخستان به نثر آهنگین و متکلف فارسی نگاشته شده است. درباره شرح احوال گردآورنده این اثر به زبان هندی و مترجم آن به زبان فارسی اطلاعی از متن کتاب به دست نمی آید. اما این اثر را می توان ادامه تحول ادبیات داستانی هندی و ادامه تالیف آثار ارزشمند داستانی همچون مهابهارتا، رامایانا، دریای اسمار و غیره دانست.

راجع به اسم مؤلف این اثر در بین تذکره نگاران و متن پژوهان متون کهن اختلاف نظر وجود دارد. در تذکره خلاصه الشعاع اسم نویسنده کتاب، احمد بن علاء الدین احمد بن حسن عبدوسی ملقب به «تاج» المعروف به اِخستان آمده است. در حالی که در کتاب بساتین الانس اسم وی محمد بن علاء الدین احمد بن حسن عبدوسی ذکر شده است و همین نام هم به نظر درست می آید؛ چون به هر حال نوشته خود مؤلف است.

واژه «اِخستان» را آقای علیرضا قزوه اِخستان با فتح الف و سکون خ تلفظ فرمودند و خود مصحح، استاد نذیر احمد، هم در مقدمه ای که بر کتاب بساتین الانس نگاشته اند این واژه را اِخستان خوانده و نوشته اند. استاد سرکارخانم ریحانه خاتون که در واقع ویراستار نهایی کتاب بوده است راجع به این واژه تحقیق سودمندی کرده و به این نتیجه رسیده که این واژه در واقع اِخستان است و مستند تاریخی که برای اثبات این ادعای

* استادیار موقت دانشگاه دهلی، دهلی.

خود ذکر کرده آن است که اِخستان نام یکی از پادشاهان ایران زمین بوده است و شاعرانی امثال نظامی گنجوی و خاقانی به‌دربار همین پادشاه وابسته بوده و هر دو شاعر در شعرهای خود ازین پادشاه نام برده‌اند. نظامی گنجوی می‌گوید:

شاه سخن اِخستان که نامش مهری‌ست که مهر شد غلامش
خاقانی می‌گوید:

در بردف هر آنچه حیوانند یاد شاه اِخستان کنند همه

موضوع کتاب و انگیزه نگارش آن

مؤلف این اثر در بیست و شش سالگی که منشی متبحر و معروف دربار تغلق بود این اثر را در سال ۷۲۶ ق به‌رشتهٔ تحریر درآورد. نویسنده در انگیزه خلق این اثر بیان می‌کند که به هنگام مریض‌اش دوستانش برای اینکه اسباب شادمانی او را مهیا سازند این مجموعهٔ داستان‌ها را برای مطالعه به‌وی تقدیم کرده‌اند و چون محتوای داستان‌ها، جذاب و بیانگر بعضی از مسائل مهم فرهنگی جامعهٔ هندی آن زمان بوده اِخستان تصمیم گرفته است تا آن داستان‌ها را به زیور نثر مسجّع، متکلف، و فنی و آهنگین فارسی بیاراید.

موضوع این اثر هم که چند داستان و حکایت آمیخته به‌هم دارد شامل حکایاتی از سوانح عمر شاهان مناطق اُجین، کشمیر، سراندیپ، قَنوج و چین است. این اثر سه مقدمه دارد:

مقدمهٔ اول، به قلم استاد نذیر احمد است. مقدمهٔ دوم و سوم را خانم پروفیسور ریحانه خاتون و آقای دکتر کریم نجفی برزگر، رایزن اسبق فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو، نوشته‌اند.

مقدمه‌ای که به قلم رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است معرفی مختصر بساتین‌الانس است. ایشان در این مقدمه می‌نویسد که:

”این کتاب دربارهٔ آغاز سلطنت سلسلهٔ تغلقیان و به‌ویژه دربارهٔ غیاث‌الدین تغلق کتابی بسیار مفید و حاوی اطلاعات ارزشمندی است.“

البته نویسنده این مقاله در این اثر با هیچ اطلاع تاریخی مفیدی دربارهٔ تغلقیان مواجه نشد اما ناگفته نماند که ایخستان یادآور شده است که بعد از پایان این اثر هنگامی که ادب دوستان علاقه خودشان را به آن نشان دهند او رویدادهای تاریخی پادشاهان تغلق را خواهد نگاشت اما ظاهراً او در تألیف چنین اثری موفق نشده است.

مقدمهٔ دوم که به قلم خانم پروفسور ریحانه خاتون است در معرفی این اثر و در شرح چگونگی تصحیح و ویرایش نهایی آن است. ایشان در این مقدمه متذکر شده است مقدمه اول که به دست پُرتوان استاد روان‌شاد نذیر احمد نوشته شده است، مهم‌ترین مقدمه‌ای است که بر این اثر نگاشته شده است. در این مقدمه استاد اول دربارهٔ نام و زندگی نامهٔ مؤلف بحث می‌کند و بعد از آن درباره اهمیت و قالب دستوری کتاب بحث شده است. استاد در مقدمه ذکر نموده‌اند که چطور ایخستان تحت تأثیر شاعران هم دوره خود بوده مثلاً ایخستان می‌نویسد: با دیگر سلاطین ماضیه چون خط‌ترسا کج‌روی پیشه ساخته.

استاد یادآور می‌شود که این عبارت نثر از قصیدهٔ خاقانی گرفته شده است. مطلع قصیده خاقانی این است:

فلک کج‌رو تر است از خط‌ترسا مرا در بند دارد راهب آسا

و همین طور مؤلف می‌نویسد که:

”و شجرهٔ جود، چون درخت بید، نام و نشان ثمر صحت گم کرد.“

استاد می‌گوید که این عبارت نثر از یکی از قصاید انوری گرفته شده است. شعر

انوری چنین است:

همچون ثمر بید کند نام و نشان گم در سایهٔ او روز کند نام و نشان را

و همچنین بسیاری از مثال‌های دیگر که تسلط بی‌نظیر استاد نذیر احمد را بر شعر فارسی نشان می‌دهد و این تنها، کار ایشان بود و گرنه ما کارهای ویراستاری زیادی داریم اما هیچ جا به چنین کار عالمانه برخورد نمی‌کنیم.

وی همچنین کلمات و اصطلاحات جدیدی که در این اثر استفاده شده است یک یک آنها را در مقدمه ذکر می‌کند و نکات دستوری و همچون روش جمع بستن کلمات و استفادهٔ آن را در این اثر بازگو کرده است. استاد می‌نویسد که در اکثر جاهای کتاب

واژه‌ها به‌طریق عربی جمع بسته شده است و استاد موفق شده تا تقریباً همه این موارد را در مقدمه ذکر کند.

در جای دیگر استاد مصادر مرکبی که برای اولین بار در این کتاب استفاده شده انتخاب کرده و در مقدمه ذکر نموده و همه خوانندگان آگاه هستند که این کار بسیار سخت است و به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و کسی که از دستور فارسی آگاهی کامل نداشته باشد نمی‌تواند این چنین موارد را قلم‌داد کند.

تا جایی که به‌پاورقی کتاب مربوط می‌شود استاد سعی کرده تمامی عبارت‌های عربی را به‌فارسی ترجمه کند و همین‌طور درباره اشعار فارسی استفاده شده در کتاب استاد سعی کرده است که اسم شاعر آن را ذکر کند و این نشان می‌دهد که استاد بر زبان فارسی تسلط کامل داشته است.